



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲/۱۰/۰۷

ولید پوپل

دروغ و اثر آن در جامعه

دلیل اصلی و تکلیف جدید جامعه امروزی ما باور ها دروغین است که بدبختانه جز کلتور و سیاست ما شده است قبلاً تعداد زیاد مردم به تکلیف پر حرفی و خنده ها بی مورد مبتلا بودند و از خود بیننده و شنونده داشتند حال تعداد بیشتر به بیماری دروغ نیز سردچار شده اند که مجموع تکلیف عمومی به سه نوع مختلف ارتقاع یافته است یعنی (پر حرفی ، خنده ها بی مورد و دروغ گفتن)

تعداد زیاد مردم ما چنان به دروغ عادت کرده اند که بدون چند قصه دروغ شب خواب شان نمی برد یا خودشان دروغ می گویند و یا باید یک دروغ را شنیده تایید نماید ،

به مجرد که یک حکایت به افکار سیاسی شان برابر باشد در پهلوی اینکه قبول می نمایند به طور عاجل در قسم تبلیغ و تکثیر آن سهم خیلی فعال می گیرند و کوشش می کنند تا بالای دیگران اندیشه و خیال ها دروغین را نیز تحمیل نمایند ، گذشته از آنکه تحقیق نموده آیا موثق است و یا خیر مقصد بهانه شود تا تیر انتقاد خود را بالای طرف مقابل پرتاب نمایند برایشان اصلاً " فرق ندارد اگر وطن دار باشد و یا هم مذهب باید دروغ بگویند و تبلیغ منفی نمایند چی از طریق خبر باشد و یا چی از طریق شعر ، داستان فکاهی ، عکس ، و ویدیو و غیره امکانات .

در صورت ادامه دروغ توسط تبلیغچی ها در قدم نخست امنیت کشور در تعادل نمی آید و در ضمن سیستم کشور به صورت عموم صدمه می خورد دوم اقتصاد مملکت به طرف نابودی سقوط نموده بازای تمام شهر ها بر باد می شود چون دروغ ، دزدی بی اعتباری و غارت بیت المال باعث می گردد تا کشور به تباهی سوق یابد

اینجا می توان یک بیماری را مثال داد هنگامیکه یک فرد مریض می گردد نزد داکتر رفته آنجا باید حقیقت تکلیف بدن خود را حکایت نماید تا مشکل بدن را داکتر تحت مطالعه گرفته معالجه دقیق نماید چراکه شکایت دروغ تکلیف اصلی را از بین نمی رود

هر زمانیکه مردم تصمیم بگیرند تا صادق شوند و دروغ گفتن و تبلیغ منفی را متوقف سازند در آن کشور صلح و آرامش حکم فرما شده مملکت پیشرفت می کند ولی اگر مردم خوب و بد را از هم دیگر تفریق کرده نتوانند و باور ها دروغین را قبول نمایند جنگ و بی اتفاقی تا چندین نسل دیگر ادامه خواهد یافت ، خداوند ج پیامبران را به خاطر نشان دادن خوب و بد فرستاده است نه به خاطر تغییر جهان اینجا وظیفه مردم است تا خوب و بد را بدانند ، امر و نهی هر گوشه کشور ما جنگ آتش بی اتفاقی بدبختی فقر است مردم باید در کوشش جستجو معقوله حقیقت و خاموش نمودن آتش بیرون شوند.

کشور در موقع خیلی اساس قرار دارد تبلیغچی ها باید جلو تکلیف خود را بگیرد چراکه با اندک دروغ و صحبت ه منفی در تمام مملکت جنگ ها مختلف شعله ور می گردد همه قربانی جنگ ها لسانی ، مذهبی ، جعفری ، شعیه ، سنی ، قانون اساسی والا ، قانون شریعتی والا می گردد در اخیر بلاخره افغان ها از بین می روند و آب فروان دریا های مملکت ما نصیب کشور ها همسایه می گردد و سنگ خاک معادن در چور چپاول غارت گر ها بین المللی قرار خواهد گرفت.

امروز زمان آغوش گرفتن برادر اندر و او در زاده ها جنگی است تا از خون ریزی ها بی مفهوم جلوگیری گردد

مردم افغان باید این درک را داشته باشند که هنگام جنگ ، دعوا ، جلسه ، ملاقات و نشست ها سیاسی باید از او ضاع حقیقی مردم با خبر شوند و به همدیگر تراحم نمایند

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خبر و لولی

اگر قصه و گله از انتحاری انفجار شود باید قصه طیاره ها بم افگن را نیز بشنود زمان آن است که از نهایت راس تی و صداقت کار گرفته شود دروغ گفتن را باید همه کنار بگذارند مردم باید دروغ گو ها را در جامعه بشناسند در ظاهر خود را حق به جانب جلوه می دهند در حقیقت وظیفه تبلیغ ی دروغ است همیشه حقیقت تاریخ را پرده پوشی کرده و اصلیت چهره ها جنایت کار و افراد وابسته به ایشان را پنهان می نماید .

شنونده دروغ گویان ضمیمه را برای تبلیغی فراهم می سازد تا باور ها غیر حقیقی را به نفع رهبران شان گسترش دهد .

آن تعداد که شنونده تبلیغی ها هستند باید این درک را پیدا کنند دروغ گفتن دشمن استقلال است ، دروغ گفتن حق وق دیگران را نقض می کند . ، دروغ گفتن انسان ها را گرفتار خیالت بی مفهوم می سازد دروغ تمام جامعه را سر نگون می سازد .

دروغگو یعنی انکار نمودن از حقیقت می باشد دروغگو یان همه کافر هستند کافر یعنی کسی که از حقیقت چشم پوشی می کند دروغگو در حقیقت از نگاه روانی خیلی ترسو بز دل نیز می باشد .

دروغگو ترس از موقف اجتماعی آینده و ثروت خود دارد تا در اختیار بیت المال قرار نگیرد خیال و باور ها بی م فهوم را در بین مردم توسط تبلیغی رواج می دهند چون غلام ها شان عادت دارند که مجسمه ها سیاسی را صیقل داده همیشه دروغ ها بی مفهوم را خوب تمثیل می کنند .

تعداد دیگر ترس از کم قوتی و کم صلاحیتی در حکومت ها آینده دارند چراکه اگر حکومت قانونی تشکیل گردد دیگر نمی توانند بدماشی و لندغری خود را ادامه بدهند .

دروغ گو همیشه در کوشش تخریب و غیبت دیگران آستین ها را بلند می نماید تا خود را هوشیار تر معرفی نماید

دروغ گو حتا در بین زندگی خانوادگی مشکل سرگردانی دارند نه با خود صادق هستند و نه با خانواده قوم ملت دین مذهب در تمام کتاب ها مذهبی دروغ گفتن به شدت محکوم شده است در صورت شامل بودن در یکی از مذهب ها هیچگاه دروغ نمی گویند .

مردم افغان نباید اجازه بدهند تا این وپروس کشنده تکلیف دروغ دامن گیر همه نسل ها آینده گردد نباید دروغگویان را اجازه دهند تا در مدار دنیا تبلیغ و افکار سیاسی شخصی ایشان را جذب و تسخیر نمایند .

اگر باز هم مثال بدهیم یک زوج قصد دارند از همدیگر جدا شوند ولی قبل از جدا شدن کوشش می کنند تا حلقه مل امتی را به گردن همسر خود بی اندازند هر دوطرف شروع می کنند به جملات دروغ علیه خاندان همدیگر گویا دست سوم در زندگی شان وجود داشت ولی عاقبت را درست نمی سنجند که در خاتمه خانواده ها فرزندان خود را ن ام بد می نمایند اولاد ها را سرگردان و نیمه دیوانه بزرگ می نمایند و در عین حال خود شان عمر را در بدبختی پریشانی سپری می نمایند اگر دوباره به شروع موضوع مراجعه کنید اصل قضیه و مشکلات همه به خاطر اندیشه دروغین بوده است که علیه همدیگر ایجاد نموده بودند که حال دامن گیر خود شان شده است اگر اجازه حکایت و تهمت را مردم برای دروغ گو بدهند کشور توسط تبلیغی آهسته آهسته تخریب می گردد .

دروغ یعنی چشم پوشی از حقیقت و به طرف تاریکی رفتن جامعه ما به تغیر معاشرت راستگویی احتیاج دارد تهمت نمودن از غیبت ها شیرین شروع شده به دروغ ها شاخ دار مبدل می گردد دروغگویان همیشه ساده ترین و بی چاره ترین افراد را نخست شکار می کند تا توسط ایشان جمله ها دروغین را بخش نماید

اگر بی تفاوتی صورت بگیرد دروغ ها بزرگ شده می رود و گسترده می گردد دوباره طرف فرزندان شما می آید

دروغ

و فساد ایجاد گر تباهی تمام ملت است همه به خاطر قدرت یافتن چند نفر محدود می باشد این ها از هر نوع امکان ات کار گرفته دروغ می گویند تجربه نشان داده که چندین رژیم در اثر تبلیغ ها دروغ از بین رفت ، در صورت ایجاد یک کشور آرام و با داشته ها دینی و فرهنگی با سیستم منظم نباید اجازه به دروغگویان داده شود تا خانه و کشور را توسط تبلیغ ها بی مفهوم از نزد شان بگیرد .

مسولیت صلح را همه مردم افغانستان دارند ننتها تفنگ داران نمی توانند آرامش را بیاورند بکی از عامل بدبختی و نیامدن امنیت در کشور دروغ و تبلیغ ها بی مفهوم است که دیوار بلند را در بین گروپ ها مسلح اعمار نموده اس ت بدبختانه دروغ و تبلیغ جز کلتور و سیاست ما شده است خوب خواهند بود اگر همه ملت افغانستان وظیفه خود بدانند تا از دروغگویان اجتناب ورزند .

پایان